

# حقیقت

۴ خرداد ۱۳۵۹

شماره ۲۱۵

## هشدار!

### به همه انقلابیون و مردم ایران

منظر میرسد توطئه نظامی نا - فرجام آمریکا هیچ تکان جدی در میان نیروهای مترقی و انقلابی، احزاب و گروههای ملی و شخصیت های صاحب نفوذ و علاقمند به سرنوشت کشور بوجود نیاورده است، و کسی به فکر سرنوشت انقلاب و مردم نیست. در حالیکه اخبار روشناهدنگران کننده ای از اجرای قریب الوقوع طرحهای جدیدی از سوی آمریکا برای انجام مداخله و زمینه سازی کودتا حکایت میکنند، قطب واقعاً هوشیار و رورهبیری کشنده ای برای حفظ اتحاد مردم و بسیج توده ها جهت خنثی سازی مآختن حرکت های توطئه - گرانه و طرحهای سرکوب انقلاب وجود ندارد. آنها که داعیه " ولایت امت " و پیشوائی انقلاب تا به آخر را داشته اند تا حال چندان به اعتماد و اتحاد اقشار خلقی و توده های مردم سراسر کشور فریب زده اند، که اکنون جمیع آوری همه قوای مردم و همسوگردان - نیدن آنها برای هرنیروی انقلابی مستعدکاری صعب و دشوار شده است. ای مردم! خطرات همه سوا انقلاب ایران را تهدید میکند، و حال آنکه سیاستهای دولت و روش احزاب سیاسی حاکم کشور را سرانجام بیسود و نام ازدها فروخواهد برد. بنی مدرسیا آنکه ظاهراً از خطر توطئه و کودتای قریب الوقوع از سوی آمریکا دم می زند، دست در دست " شورای انقلاب " بقیه در صفحه ۴

## سنندج فتح شدنی نیست!

سنندج را " فتح " کرده اند. اینرا سران ارتش و رهبران سپاه پاسداران و دپترباست جمهوری و امام جمعه های شهر با سروصدای فراوان در هفته گذشته بگوش هم رسانند. ارتش و سپاه پاسداران پس از بیش از سه هفته محاصره نظامی و اقتصادی سنندج، پس از بیش از سه هفته بمباران شهر، پس از بیش سه هفته کشتار، پس از بیش سه هفته جلوگیری از رسیدن غذا، دارو و آب و برق و نفت و بنزین به سنندج، آنرا با افتخار تمام " فتح " کردند. کردند و اینک دارند فتوحات خود را جشن میگیرند و آنرا بر رخ همه می کشانند. بقیه در صفحه ۷

## نکاتی درباره مجلس اول شورا

اولین مجلس جمهوری اسلامی در ۷ خرداد گذشته خواهد شد. سرنوشت گروهکها، ترکیب دولت آینده، ترمیم قانون اساسی و تدوین و تصویب قوانین مملکتی، همه در انتظار تصمیمات این مجلس اند و چشمهای بسیاری به آن دوخته شده اند. این مجلس قرار است گام آخر در رسمیت بخشیدن به جمهوری اسلامی و تثبیت نهایی آن باشد و به نظام جمهوری اسلامی ایران جنبه قانونیت نهایی را ببخشد. ترکیب نمایندگان این مجلس بیش از آنکه محصول انتخابات دو مرحله ای پرازنقلاب و دسیسه چینی بقیه در صفحه ۶

## درباره وحدت نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک

اینروزها مسأله " وحدت نیروها " و " ایجاد جبهه مشترک " نقل بسیاری از محافل بوده و میزگردها و ملاقات ها و گفتگوهای دوجانبه و چند جانبه ای میان نیروهای مختلف صورت گرفته است. بحث ها و مناظره های تلویزیونی بیامون " انقلاب فرهنگی " و میزگرد وحدت " روزنامه اطلاعات و ملاقات ها و جلسات آشکارا و پنهانی دیگر، ظاهراً در خدمت این " وحدت " بوده، توجه بسیاری را بخود مشغول داشته است. شک نیست (بقیه در صفحه ۲)

### در این شماره:

- عوامل همدست کودتا در رأس ارتش و ..... صفحه ۱۲
- زمینه سازان کودتا را هم بشناسیم ..... صفحه ۱۲
- "کنفرانس کشورهای اسلامی" ..... صفحه ۱۲
- مبارزه دهقانان جوزدانی و "بنیاد مستضعفان" ..... صفحه ۸
- درد و برشدهای پرسنل مبارز نظامی ..... صفحه ۴
- مردم غیور آبادان، دادستان شهر خود را بشناسید ..... صفحه ۱۵
- اخبار جنبش کارگری ..... صفحه ۹ و ۱۲

درد و برشدهای پرسنل مبارز نظامی  
که جان دادند و بروی خلق خود اسلحه تکشیدند  
در ۵

انقلاب و مبارزه را تنها آن می نماید و در نهایت مشترکاً برای خشنی ساختن جریا نهایی ما هیئت انقلابی - از هر نوع مکتب و مسلکی که میخواهند باشد تلاش میورزند.

این دودسته بندی آموزشی -

## درباره وحدت نیروهای ضد امپریالیست

بیخبر از محمد اول

وحدتی رفته بیش از هر کسی مشتاق آن می باشد، لکن "وحدتی" که این نیروها تدارکش در این قبیل میزگردها و ملاقاتها و مناظره ها دیده می شود، نه بر اساسی منافع عاجل نیروها میسر - یا لیستی مردم ایران، بلکه بر اساسی جبهه بندی بشفیع یک جناح از مافلی از هیئت ها که در برابر جناح دیگری از آن رفته میان نیروهای حقیقتاً ضد امپریالیست و انقلابی، با یکدیگر میان طبیعی از نیروهای انقلابی و رادیکال گرفته تا لیبرال و سوشالیزم و با لایحه وابسته و نزدیک به دوا بیرون قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی صورت گرفته، نتیجتاً نمیتوانند در خدمت ضروریات عاجل مبارزه ضد امپریالیستی و منافع ملت ما باشد. مدتهاست که درون مافلی ها کم، گشاکش و رقابت میان دو گرایش و جناح از هیئت ها که وجود داشته و بر حسب شرایط افست و خیز می نماید، قبیل از سقوط دولت بازرگان و اقدام این دولت در "ثوری انقلاب" و انتخا بیات ریاست جمهوری، ایسسی گشاکش و رقابت، میان "حزب جمهوری اسلامی" و "شعبه آزادی در جریان بودویس از روی کار آمدن بنی صدر، این گشاکش شکل رقابت میان جناح بنی صدر که عملاً "شعبه آزادی" را نیز همراه خود دارد و "حزب جمهوری اسلامی" اولویت یافته و در عرصه ها و زمینه های گوناگون بظهور رسیده است.

ما در گذشته درباره ایسسی دو جریان که بنام های "لیبرالیستی" و "انحصار طلبی" مشخص شده بودند همدار داده ایم و مواظبشان ساخته ایم که نیروهای انقلابی و مردم ما به هیچ رو نباید ما این دسته بندیها و رقابت های شوم بیامتنند و انقلاب را غسده ای مطامع این گروه بندی ها گردانند. این دو جریان علی رغم وجود اختلافات ظنی و تمایزها و شیوه های گوناگون ظنی و تمایزها و شیوه های و پستگاه های مختلف، هیچ یک به نفع انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی حرکت نکرده، در بهترین حالتش خفه کردن ایسسی

بی حمایت کردن و از جوش و خروش انداختن این رادیکال ها، با انحصار طلبان و روحانیون قشری دست بیگی کرده باشد.

ما شیراین سیاست را بر ما هدایت خلق و اخیراً چریکیهای فدائی به وضوح میتوان دید، که چگونه آنان برای با صلاح تضمین آزادی ها و منفرد ساختن "ارتجاع" گام در راه جبهه بندی بشفیع یک جناح در برابر جناح دیگری گذارند.

آنگونه که از برخی مناظره های تلویزیونی، دعوت ها و گفتگوهای دوجانبه و چندجانبه و اخیراً هم "میز - گردوحدت" نشریه اطلاعات بر میآید، این نوع تمایل به جبهه بندی در میان دو جریان جداگانه و چریک های فدائی، که نشان دهنده یک تمایل عمده در صفوف دانشجویان و روشنفکران رادیکال و جنبش آنهاست، کاملاً مشاهده میشود. در میزگرد یاد شده که هشت گروه دیگر هم همتا همگاری - های مردم پارسی جمهوری، نهضت آزادی، جبهه ملی، جامعه حزب ملیست ایران، حزب شده و دوسال زمان یاد شده شرکت داشتند، ظاهراً بحث بر سر ایجاد وحدت و هماهنگی در برابر امپریالیست بوده است. تنها بحث این همتا گروه در باره بوجد آوردن یک نوع آشنی و همکاری میان "نیروها" است، که از قرار مسائل این مرحله از انقلاب و ایجاد آشنی و وحدت در میان گروه های مردم کشور را از طریق آنها حل و فصل خواهند کرد. ترکیب این جبهه نشان میدهد که چه نیروهای حاضرند چه نیروهای در کنار هم بنشینند و درباره سرنوشت انقلاب این مردم وارد بحث و مناظره شوند. چه نیروهای ترکیبی اردستجات خود را بفرستند اشخاص مردم علیه امپریالیست میگردانند و این نیروها چه برداشتی از وحدت ضد امپریالیستی و میان این وحدت دارند. در اینجا چریک و مجاهد و جامائی در کنار اعمال شوروی یعنی حزب مزدور توده و جریانی نیمه - کمپرادوری و تمایل به آمریکا مانند جبهه ملی (اگر حزب ایران که چریکی اصلی از جبهه است در نظر گرفته شود با بدگفت خواهان آمریکا) بطل هم نشسته و درباره چگونگی تشکیل جبهه ای از خلق و یک نوع هماهنگی برای مقابله با خطراتی که انقلاب را تهدید میکند، گفتگو میکنند! آیا سبب جلب توجه و خنده آوری نیست؟! ما - همدین و چریکیها در اینجا نه تنها دنیا - له روی خود را از نظر تفکرهای لیبرال - لی، که از روی بنی صدر تشویق و ترغیب

میکند، بروز میدهند و وعده ها را میدهند چه نیروهای حاضرند یا آنها کنسار بیایند و آنها را بسوی خود جلب کنند، بلکه در مصاف میان این قدرت های امپریالیستی آمریکا و شوروی بر اساسی مهم نیست اگر با مزدوران یک طرفه گفتگو در باره جبهه "خلیج" بپردازند.

هدف بنی صدر و او دارا نشی از دامین زدن باین نشست های "همگانی" و روحیات آشنی جویا نه در میان جریا نهایی اسلامی و غیر اسلامی ای که بطور عمده در میان قشر روشنفکران ما دارند، با نشی آوردن روحیه انقلابی، گرفتن جنبه رزمندگی موجود در جنبش جوانان و روشنفکران کشور، منسجم گردانیدن جریا نهایی انقلابی در میان کارگران و خرده بورژوازی و یک کلام تبدیل جوانان انقلابی و پر جوش و خروش که از پائین ما میگیرند یک جو رفعت میسازند و با رلمانا رستی که از بالا کنترل میشود است. سیاست "بجست آزاد" بنی صدر نشان میدهد گروه - های که با صلاح مطرح دارا و رفته اجتماعی هستند، از مذهبی منصف تا بسبب اصطلاح ما رگسیست نوع چریک و سبب جریانی چون جبهه ملی در کنار ما - همدین در پشت میزگردهای رسمی و غیر رسمی، با بیای سیاست اعمال فشار و حتی انداختن ارتش بحال گروه های انقلابی بیرون حریف بنی صدر است: دست از تشییع مردم بردارید و بیایدید شید بخت کنید! دست از انقلابیگری و تنگنالی سیاسی بردارید و به بارلمانا رستم کنترل شده - بورژوازی و جبهه مازی از "نیروها" رعایت دهید! لیکن هیچ بعید نیست که همین بورژوازی مشتاق بحث و مناظره با رلمانا به مجرد آنکه ببینند مجلسی مخالفی از رای خود می بیند یا با ارتش دست بیگی کند و در همین مجلسی راه می بینند.

انقلابیون ایران با بسندار افتادن بدام سیاست های لیبرالی و جبهه بندی بر اساس دو گروه بندی لیبرالی - امتیاز طلبی موجود حذر کنند. سیاست پرولتری مفا رایشی جداگانه ای را، که بر اساس تحلیلی طبقاتی از جامعه و نیروهای سیاسی و درک درستی از تضادهای اصلی جامعه و موقعیت بین المللی کشور ما میسازد است، طلب میکند؛ و لیذا کمونیست ها هیچگاه نمیتوانند به جبهه بندی های تن دهنده عملاً بر اساس تضادهای فرعی و منافع لحظه ای بوجد میسازند. این جبهه بندی ها مفا انقلاب و ضد (بقیه در صفحه ۴۸)

# حقیقت

## هشدار به انقلابیون و همه مردم ایران

بقیه از صفحه اول

نشسته و نا غل در کار تدارک یک رشته توطئه های بزرگ هستند و با جناحهای ضد انقلاب در اروپا و آمریکا و جاسوسان آمریکا و انگلیس در تماس دائم بسر میبرند. سران برخی عساکر بویژه در مناطق بختیاری، بلوچ

سرری دست حکومت های دستا نمانده خود در منطقه. ۳- ایجاد چند دستگی در صف مردم و بر راه انداختن اغتشاشات و بلوا های شدید داخلی.

البته فعلا بطول شدت رقابت بین المللی دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی احتمال کنار آمدن آمریکا و شوروی برای اقدام مشترک علیه انقلاب ایران کم است، اما بسید نیست. اگر بریده و بسته آنها و سنا ملاتی بر سر ایران صورت گیرد، که در این صورت پای هر دو انقلاب ایران و افغانستان به میان کشیده خواهد شد، چه با انقلاب مانا گهان بادشمن نیرومندی از درون خود روبرو شده و جریان انجا مینگ کودتای امپریالیستی میتواند با انواع عواقمیومی های سرگچه و همراه شود. ولی در حالت عادی اگر ما زنی هم صورت نگیرد، مداخله آشکارا بر قدرت آمریکا قطعاً مداخله خیره برانه ابر قدرت دیگر را نیز به همراه خواهد داشت و یا ممکن است در این صورت یک جنگ داخلی است ارتجاعی بر کشور ما تحمیل شود و کسل انقلاب و کشور در خطر سقوط و نابودی قرار گیرد. بهر حال حفظ استقلال کامل و بی چون و چرا از رقابتها و کشا کهای ابر قدرتها با بهای حفظ هویشاری کامل در برابر دسیسه های مشترک احتمالی آنها برای جنبش انقلابی مردم ما اهمیت آکیدی دارد و باید دقیقاً مراقب حرکتها و مانورهای هر دو حریف بود.

ما با ردیگر تا کید می کنیم که باید فوراً بهای سرکوب توده ای منابع اصلی کودتا در داخل کشور رفت و بدین منظور بوضع نقاط زیر فوراً باید رسیدگی کرد:

- ۱- قوای سه گانه هوایی، دریایی و زمینی کشور قطعاً هسته اصلی تدارک کودتا در کشور بوده و هسته های ضد انقلابی و توطئه گرد در میان امرای فرماندهان ارتش شکل گرفته است. از همین منبع سلاحهای زیادی برای تجهیز گروههای ضد انقلابی وابسته ردوبدل میشود. همچنین شخص در میان سربازان و درجه داران ارتش فکر کودتا القاء میشود و حتی به افکار شاه پرستی در ارتش دامن زده میشود. باید فوراً این ارتش با زمام بسته از رژیم شاهنشاهی را منحل اعلام کرد و به کشف و شناسایی هسته های ضد انقلابی و کانونهای توطئه در میان امرای افسران وابسته می گانسه برخاست و سر حلقه داران اصلی را

اعدام نمود. بجای آن فوراً و بشکل سازمان یافته ای باید تمامی جوانان کشور مسلح شده و ارتش نوینی به سرماندهی انقلابیون و در پیوند با توده های مسلح خلق سازماندهی شود.

۲- کانونهای توطئه و گروههای ضربتی مسلح در میان جوانین عساکر و فساد آنها، شروتمندان عمده و طبقه مرفه شهری در بسیاری نقاط وجود دارد و میان این کانونها و گروهها با جبهه های ضد انقلاب در خا رجه مانند بختیاری و نریزه و آریسی و دیگران تماس و مراوده دائم برقرار است. نواری و نامه و وسایف را در دست می شود (از جمله ارسال پیام رمز توسط رادیوهای وابسته به آمریکا و سوکری انش) و نقشه بلوا را حیثاً نظاً مراتب ساختگی ریخته میگرد. باید فوراً به هرگونه انتفاع اقتصادی و قدرت و مقام این اقشار مرتجع درجا معس و همستان آنها در دولت و دستگاه و هم چنین در برخی اجزاب با مطلع لیبرال وابسته به آنها، که به تدارک جوسیا سی لازم و ایجاد شرایط ذهنی بفسخ اربابان نشان مغفولند، پایان داد، کانونهای آنها را شناسایی و سرکوب کرد و یک نوع افشاکاری وسیع برای تهیج مردم علیه آنها بر راه انداخت.

۳- شبکه های مخفی ساواک و جاسوسان بیگانه در ادارات دولتی و کمیته ها و سایر مراکز حساس کشور را قطعاً به حضور خود ادامه داده و خود را سازمان داده اند. همچنین گروههای خرابکاری متشکل از اعضای ساواک، جاسوسان و عناصر وابسته به آمریکا تشکیل گردیده است، که به عملیات

بمب گذاری، قتل و غارت و تولید رعب و وحشت درجا معس مشغول میباشند. ساواکیها از هر فرصتی برای دامنه زدن به درگیری های میان گروههای مختلف و بر راه انداختن زدوخورد در تظاهراتها و راهپیمایها استفاده کرده و اغلب فریبکارانه با نقاب مذهب به میدان می آیند. هم اکنون رفت و آمدهای زیادی میان داخل و خارج از کشور برای ارتسباط دادن عمل ساواک با محافل ضد انقلاب در مصر و اروپا صورت میگیرد، که بخشی از آن بر عهده باصطلاح "جهانگردان" و "خبرنگاران" خارجی است. باید فوراً افشای اسامی تمامی اعضای ساواک و شناسایی دستگیری آنها و همچنین اتباع خارجی که برای جاسوسی و توطئه گیری آمده اند، پرداخت و از آزادی ساواکیها و عوامل رژیم سابق از زندانها جلوه گرفت.

بقیه در صفحه ۴

و مرزهای ترکیه و عراق بر طبق دستور اربابان نشان و در تماس با مزدوران بیگانه در داخل و خارج از کشور مشغول بسیج عساکر خود به منظور ایجاد نا امنی بلوا و شرارت هستند. فتوایها و محافل وابسته به تجار عمده، صاحبان سهام شرکتها، بانکها و صنایع هسته ها و گروههای ضربتی آماده میکنند و شبکه ضد انقلاب را تقویت میگردانند. آمریکا با اروپا (بویژه انگلستان و آلمان غربی) علیه انقلاب ایران عقدا تحا دبسته و هم اکنون هم با ابر قدرت روس مشغول مذاکراتی است، که قطعاً یکی از مسائل مورد چانه زدن آنها را "بحران ایران" تشکیل میدهد. اگر این مذاکرات به نتایج مطلوب آمریکا برسد حکومتهای عراق و افغانستان از دو سو در تدارک این توطئه ضد انقلابی عظیم شرکت داشته و در کار دیرینه ابر قدرتتها بکارگرفته خواهند شد؛ چنانکه تاکنون هم از انجا مپاره ای توطئه گریها غافل نبوده اند. در مصر و اسرائیل هزاران نفر از افسران و امرای ارتش، ساواکیها و سرسپردگان رژیم سابق تمرکز ایجاد کرده و از سوشی با جبهه های ضد انقلاب در لندن و پاریس و فرانک فور و از سوی دیگر با همستان نشان در تهران و سایر شهرها، و همچنین مناطق ایل نشین، در تماس و مراوده و در حال تدارک و ایجاد زمینه های حرکت اند.

بنظر میرسد که نقشه کودتاگران در وهله اول بر راه انداختن یک رشته اغتشاش های وسیع و بلواهای ساختگی، ایجاد واکنشهای تهنیتی مذمومی توطئه عمل مخفی خود درجا معس روحانیت، بجان همان انداختن مردم و جریانهای سیاسی مختلف و ایجاد بهانه برای استقرار ارتش در نقاط کلیدی و بدینسان هموار ساختن راه کودتا است. بر طبق طرح وزیر امور خارجه جدید آمریکا، ستا شورماکی، از قرار جریان تدارک اجزای سه گانه زیر را باید پدید آید:

- ۱- تندید محاصره اقتصادی ایران.
- ۲- بر راه انداختن جنگهای

مشغول بهم ریختن جبهه داخلی انقلاب و سفارزه با منابع اصلی ضد انقلاب و رکن اصلی هر کودتای در کشور یعنی ارتش و فرماندهان توطئه گر آن میباشند. آنها از سوشی به جنگ نا خواسته وید فرجا مدرک درستان ادامه میدهند و به گسیل ارتش برای سرکوب و کشتار مردم بر میخیزند، و از سوی دیگر با دامنه زدن به تضادهای فرعی و تحمیل جبهه بندی های انحرافی به توده ها، که میدان به عملگرا مپرس یا لیسم و عواقلش میدهد، هرگونه شپاری ملی را درهم میکوبند. از سوی سوم به مدد اقدامات خواب کننده محافل سازشکار لیبرال میدان جوش و خروش انقلابی و روی آوری مشتافانه توده ها برای ایجاد آماج دگی های سیاسی و نظامی و متشکل و انجام جاسی خود را به محیط بحث و مناظره و حرافسی و نشست و برخاست های پارلماننتاریستی "نیروها" و "فلا" میدهد. امثال رهبران حزب جمهوری آنقدر عطش جاه طلبی و قشری مسلکی وجودشان را انباشته و به انواع فساد، جنایت علیه انقلابیون و بلوا و عملیات ضد آزادی روی آورده اند که هر کس در باره مقاصد آنان مشکوک میشود، وبدون شک حداقل جناحی از ایشان دارای تمایلات کودتا گرانده بوده و چه بسا در جریان انجا میک کودتای آمریکا بی شرکت کنند. مردم باید از خود بیبرسند که آیا نقشها و عملگرسرد فتنه سازان حزب و دسته های چاق دار آن، و بخصوص بر نامه بلوا شس که از قرا معلوم رهبران حزب جمهوری برای پانزدهم خرداد امسال در سر دارند، به چه وجه خدمت میکنند و میدان را برای ورود چه کسانی آب و جاساروب مینماید؟!

ما به همگان هشدار میدهم که انقلاب ایران جدراً در خطر است و خطر یک کودتای وحشیانه آمریکا بی تمامی کشور را در آتیه ای نه چند سال دور تهدید میکند. تدارک اجسرای عملی این کودتا از هم اکنون آغاز و از سر فرماندهی و اشنگتن هدایت میشود. هم اکنون فرماندهان ارتش و هسته های ضد انقلابی افسران با ز-

## درود بر شهدای پرسنل مبارز نظامی که جان دادند و بروی خلق خود اسلحه نکشیدند

"دا دگاها انقلاب اسلامی ویژه نظامی و فرماندهان آمریکایی ارتش، پرسنل مبارز را به "تمرد" و "تحریک و اغتشاش" متهم کرده اند. ممانعت از کشتار مردم "تمرد" است و افشای سران آمریکایی ارتش "تحریک و اغتشاش"! اینست منطق ارتجاعی سران مزدور ارتش!

اصلی مردم ما، امپریالیسم آمریکا، به حمایت از فرزندان ارتشی خود، که در پیگرد فرماندهان مزدور آمریکایی هستند و بسیاری از آنها در زندان و در انتظار محاکمه و اعدام به سر میبرند، برخیزد.

درود بر سربازان و پرسنل مبارز و انقلابی ارتش مرگ بر فرماندهان مزدور و آمریکایی ارتش

افشای سران آمریکایی ارتش "تحریک و اغتشاش" این است منطق ارتجاعی سران مزدور ارتش.

این اعدامها علاوه بر کوشش جهت برقراری نظم ارتجاعی "اطلاعت کورگورانه" در ارتش، هدف دیگری را نیز در شرایط حساس کنونی دنبال میکنند و آن "پاکسازی" ارتش از همه سربازان و پرسنل مبارز و آزادیخواه به منظور آماده ساختن شرایط برای یک کودتای خونین آمریکایی است. سران مزدور ارتش میخواهند تمام موانع را از سر راه بردارند و یکی از این موانع وجود سربازان و پرسنل مبارز و مترقی است. سران مزدور ارتش در جریان عملیات نافرجام تهاجم ارتش آمریکا و بدنبال افشاکاری همافران و پرسنل مبارز ارتش، دریا فتند که تا زمانی که چنین نیروهای در ارتش باشند، کاریگ کودتا با مشکلاتی مواجه خواهد شد و در نتیجه امروز میکوشند تا این موانع را از سر راه خود ببرند.

اینها ما این سربازان و پرسنل ارتش چه بوده است؟ آنها آننان "تمرد در انجام ما موریت"، "عدم اجرای ما موریت" و "تحریک پرسنل" بوده است. اما تمرد در انجام کدام ما موریت؟ عدم اجرای کدام ما موریت، تحریک به انجام چه کاری؟ اینها فرماندهان مزدور آمریکایی ارتش و "دا دگاها انقلاب اسلامی ویژه نظامی" به مردم نگفته اند. آنها به مردم نمیگویند که همافران و پرسنل و سربازان مبارز، که در قیام بهمن ماه ۷۷ و مبارزه مسلحانه برای واژگونی سلطنت پیشتاز بوده اند، حاضر نگشته اند که به منظور کشتار هموطنان رنج دیده خود به کردستان عزیمت کنند و دست خود را به خون خلق کرده آلوده نمایند. ما موریتی که آنها در انجامش "تمرد" کردند، ما موریت کشتار رویمباران مردم کردستان بود. آنها علاوه بر این در ارتش با ما هیت وابسته سران آمریکایی ارتش دست به افشاکاری زده، بدرستی از همگاری اینان با نیروهای تجاوز گرو آمریکا بی پرده برداشتند. ممانعت از کشتار مردم، "تمرد" است و

همزمان با پیورش ارتجاعی ارتش و پاسداران به کردستان و هم زمان با تهاجم امپریالیسم آمریکا که با مشارکت و همدستی سران آمریکایی ارتش صورت گرفت، فرماندهان مزدور ارتش زیر لوای "پاسداری از خون شهیدان"، دست به تصفیه ضد انقلابی و خونین ارتش زده، سربازان و پرسنل مبارز و آزادیخواه ارتش را دستگیر و محاکمه و اعدام کرده اند. در تهران ۴ نفر خلبان آزادیخواهی که حاضر نبودند بروی هموطنان کرد خود بمب بریزند، محاکمه و اعدام شدند. در آمل ۱۵ نفر از پرسنل مبارز هوا نیروی مجرم "تمسرد" و "تحریک و اغتشاش"، "عدم انجام ما موریت" محاکمه و ستوانیار سوم منصور حاج قاسمی به اعدام محکوم و ستوانیار غلامرضا سربندی به حبس دائم، ستوان دوم خلبان عباس شریفی به ۱۰ سال زندان، ستوانیار عزت الله جوادپور به ۱۰ سال زندان و ۴ تن دیگر به زندانهای مختلف محکوم گردیدند. حکم اعدام منصور حاج قاسمی با جراد آرمو اینها همافران رزیم شاهادت رسید. علاوه بر این، طبق اخبار واصله گروه زیادی از سربازان و پرسنلی که حاضر نبوده اند به جنگ با برادران و خواهران کرده خود بروند و در این جنایت بزرگ سهیم شوند، اینک زندانی بوده و در شهرهای تبریز، همدان و تهران در انتظار

۴ - جناحی از روحانیت، مشخما آنها فی که برگردان مثال روحانی ها و شریعتمداران بها خلق زده اند و از به قدرت رسیدن آیت الله خمینی ناراضی اند، قطعا در تدارک کودتا با آمریکا وجهه های ضد انقلاب در خارج همدستی داشته و باید سرعت از جامعه روحانیت طرد و تصفیه و حتی به محاکمه و مجازات کشته شوند. همچنین عناص معلوم الحال لسی در میان مدرسین حوزه های علمیه و رهبری حزب جمهوری آنقدر در ستان



بقیه در صفحه ۴

ملی و ضد ملی، را مخدوش میکنند و به جبهه واقعی و ضروری مبارزه متحدانه مردم ما بر علیه امپریالیسم و ارتجاع فریب میزند.

ضروریات و هدایت فدا مپریالیستی ملت ما حکم میکنند که جبهه ای بر اساس مرزبندی روشن و صریح باد و ستورین اردوگاه امپریالیستی آمریکا و شوروی و اعمال و همدستان داخلی آنها، و نه با اعمال و همدستان بیکی بر علیه دیگری، بوجود آید. این ضروریات حکم میکنند که جبهه بر اساس تا سین منافع حیاتی و عاجل کارگران و دهقانان ایران، که سازشکاران و لیبرالها سخت با آن بیگانه اند بوجود آید، و نه بانبروهائی که درصدد تشکیل جبهه های بر علیه اداها انقلاب و به منظور سازش باشند.

مردم آزادیخواه ایران، سربازان و پرسنل مبارز، بهوش باشید! فرماندهان مزدور آمریکا بی ارتش، دست در دست اربابان امپریالیست خود در تدارک یک توطئه بزرگ بر علیه انقلاب ما هستند. در مبارزه علیه این توطئه بزرگ و دشمن

در خرابکاریها و برخی فجایع در کشور آلوده است که نمیتوان در باره هم کاری آنها با برخی جریانهای وابسته به عملیات تدارکی کودتا ظنین شد. بطور مشخص افراد بسد سابقه و شرورتمندی چون بهشتی رفسنجانی ملاک و با هنر و با همدستان غیر روحانی بد سابقه شان چون فرخ الدین حجازی و آیت با بد مورد بازخواست توده ها قرار گرفته و به پسر و نده شان رسیدگی شود. افراد رنگ عوض کرده و وابسته به رژیم سابق چون

۵ - عمال وابسته به سفارت

انگلستان و احیاناً آلمان غربی ( همچنین در صورت سازش احتمالی ابرقدرتها و با مداخله روس در برابر آمریکا با ایده حساب سفارتخانه های شوروی و همدستانش نیز رسیدگی شود) این منبع اصلی کودتاخیز، که همه زیر چتر آمریکا قرار دارند، همچون انگشت دست امپریالیسم جنایتکار و فرورفته در شکم انقلاب ما هستند و مردم ممکن است این شکم را پاره کنند. مردم ایران باید بیجا خیزند و

بقیه در صفحه ۵

هشدار به ...

بقیه از صفحه ۴

است و با مستقیماً از این کارها سود میبرند. با بدبلاستقرا اصول دسر- کراسی و آزادی، کدیگانه‌ها من حفظ وحدت مردم سرا سرکشور و نبرد متحدانه و هوشیارانه همه توده های ملت بسا

این پنج انگشت نابکار دشمن را قطع کنند و در این راه هیچگونه وقفی به نمایح سازشکاران و سیاست بازان حاکم، که بدون شک یک جناح از ایشان با کودتا چنان آتی همدستی داشته و با همدستی خواهند کرد، نگذارند. این وظیفه تخطی ناپذیر برای خنثی ساختن تدارک عملی کودتا و از میان برداشتن شرایط حادثه قبل از حدوث آنست. بگذار تا تمامی جناحها و محافل سازشکار و اجزایی که در فکر و ذکر انحراف نظر شده‌ها و انحصار قدرت بشفیع امیال پست طبقاتی و قشری خود هستند، خود را در برابر این حرکت انقلابی توده‌ها رسوا و انگشت نما گردانند، و در این میان نقاب از چهره عمل ما سکندار بیگانه نیز برداشته شود.

دشمن مشترک امپریالیستی است، با فشاری گرد و با دشمنان آزادی‌مقا- بله ای سخت نشان داد. ما در اینجا به همه کمونیستهای ایران این ضرورت عاجل را گوشزد میکنیم که به شرایط حساس کنونی توجه کرده فوراً صفوف خود را از خطوط و نظرات انحرافی و حیثانناح- ملان لجوج آنها پاک کنند و در یک تشکیلات واحد متحد شوند. ما قویا هشدار مید- هم که در صورت ادامه پراکندگی موجود در جنبش کمونیستی و همچنین در صورت ادامه حاکمیت نظرات انحرافی چپ‌نمایانه و در صفوف راست، که به مسائل ایلی و شرایط حساس فوری کشور درجه ۲ آماجگی و تشکل نیروهای پرولتری جامعه ما توجه نداشته به اشواغ مشغولیت های اگوتومیستی، با زبهای ما چرا جو- با نه در زمینه تضادهای فرعی و ثانوی تسکیم پیدا می دهد. ... در صورت ادامه این وضع کار جنبش انقلابی ما زار خواهد شد و پرچم آزادی و انقلاب مردم ما، بی آنکه امکان استقرار آن درست توانای طبقه کارگر را- هم شود، سرنگون خواهد گشت. با بید کمونیستهای ایران بویژه در ما هها و بلکه فته های آینه ها ب هوشیاری کامل به وقایع و حوادثی که روی می- دهد برخورد کنند، اوضاع را در مجموع در نظر گیرند، ضمن توجه به روندهای عمومی به مسائل ویژه فوری نیز توجه کنند و مواظب باشند حساب به هر معرکه مشکوکی کشیده نشوند. ضمناً با بیدار لحاظ تشکیلاتی آماجگی خود را سریعاً ارتقا داده و بیدارنگ برای وحدت جنبش کمونیستی یک ستاد واحد اقدام کنند، به انحرافات فرقه گرانه، نیمه تر و تسکیمتی و همچنین تمایلات سازشکاری با رویز- یونیسم در صفوف جنبشمان پایان دهند و آماده شوند که در آن سربج های تاریخی که هر زمان ممکن است پیش آید به وظیفه انقلابی- تاریخی خود عمل کنند. ما کمونیستها بایست بدانیم که یا شاگردان حیدرخان عمو- اوغلی هستیم و پس راه صحیح انقلاب کردن را در پیش خواهم گرفت و بسا

مبارزه دهقانان جوزدانی و ...

شیخ حسن ابراهیمی ونادی به محل آمدند تا با وعده و وعیدهای توخالی دوباره دهقانان را از کاری که انجام داده اند تذبذب زارند. یکی از سردم ده دریاخ شیخ ابراهیمی نما بیننده آیت اله منتظری که تقاضای ۱۵ روز وقت جهت رسیدگی به ساله میکسرد گفت " ۱۴ ماه ما به حرف شما گسوسش دادیم ده روز شما به حرف ما گوش کنیند" یکی دیگر از دهقانان گفت " شما هم میخواید سر ما گلازه بگذارید". دهقان دیگری اظهار داشت " مگر شما نمیگو- شید ما طرفدار مستضعفین هستیم؟" ابراهیمی پاسخ داد " بلی" دهقان گفت " پس چرا از اینکه ما مستضعف هسا که همگی اینجا نشسته ایم و حقمان را میخوایم با بیدرویم". دهقانان که با ۱۴ ماه دوندگی نتوانسته بودند موانع را از جلو پا بیا ن بردارند اینک با یک یورش یگروزشان توانسته بودند چنان رعب و وحشتی در دل ایالت دی بنیا دوا بزار سرکوب دولست بسنداز زندک زباز از گشتن آن قاصر است. دهقانان بیان میداشتند که حاضریم کشته شویم ولی از اینجا بیرون نمیرویم" ویا " مگر چه چیز ما کختر از کردستان است بذار ما هم ده روزی اینجا را کرده ستان کنیم".

تداوم انقلاب در نبرد با آمریکاست کارگران هر گونه سازش با امپریالیسم را محکوم میکنند

با کمکهای مالی خود ما را یاری کنید

آنها که میگویند «شورا، پورا! مالیده است» هوادار

سرمایه دارانند در تکبیر و پخت حقیقت ما را یاری دهید

نما بیننده منتظری که خود را در مقابل اراده آهنگین مردمنا تسوان میدید اعلام داشت تا مردم چند نفر نما بیننده جهت مذاکره معرفی نما بینند. طی جلسه ای که با شرکت ده نفر از نما بینندگان دهقانان، ابراهیمی، نادی و صفری تشکیل گردید صورتجلسه ای به امضا رسید که بر اساس آن قرار شد دهقانان زیر نظر شورای ده نفره مردمی، تا روشن شدن تکلیف زمین از طرف کمیسیون هفت نفره دولت، امور مزرعه را بعهده گرفته و زمینهای را که تا بحال کشت نشده بزرگشت آورند. در ضمن زمینهای کشت شده توسط بنیاد را نیز تا تعیین تکلیف از طرف کمیسیون هفت نفره خود دهقانان آبیاری نمایند.

از همان شب حدود ۹۰ نفر از دهقانان به تنگبانی مزرعه مشغول بهمان بیراهه های ابلهانه ای خوا- هیما افتاد که مثال سلطانزاده ها، آقاییها و نظائر هیبران حزب توده نسلی از کمونیستها و انقلاب- بیون پرولتری کشور ما را به باد فنا دادند.

نکاتی درباره مجلس اول شورا

وارد مهنه گردد. " نهضت آزادی" که قبل از این انتخابات دچار انشعاب شده بود گروه سحابی از آن جدا گشته بودند بنظر منظور حفظ " یکپارچگی" خود، نه زیر عنوان " نهضت آزادی"

بلکه زیر عنوان " همنام" و بسا در برداشتن همه جناح های خود که دیگر در یک تشکیلات واحد سیاسی نمی گنجهیدند وارد مهنه شد و در بسیاری موارد دست در دست جناح هوادار بنی صدر عمل نمود.

اینکه این دو دسته بندی بسا یکدیگر هماهنگی پیدا کرده اند، ناشی از تفاوتهای در جناح بنی صدر با جناح " حزب جمهوری اسلامی" و وحدت نظر میان بنی صدر و یارگان در این عرصه بوده، بیانگر شکل گیری همان دو دسته بندی معروف میان " لیبرال" لها" و " انصار طلبان" در میان محافل حاکم میباشند.

دسته بندی سوم را در این مجلس نمایندگان مخدوم گمانی چسبون سامی، محمد منتظری، حجت الاسلام امیندین آجادی، رضا امیندینی، مجتهد شمسیری، حجت الاسلام محمد جواد کرمانی و امثالهم تشکیل میدهند که علیرغم قرار داشتنشان در لیست دو دسته بندی یاد شده، از لحاظ سیاسی موقعیتی جداگانه داشته و طیفی از نیروهای مبارز و مترقی را نمایندگی مینمایند.

این مجلس مهنه گشا گش میمان این سه دسته بندی و گشا گش میمان نیروهای شرکت کننده در هر دسته بندی خواهد بود و مطمئنا بر تحولات این کشور مبرخود را خواهد گوید. از این سه دسته بندی که بگذریم، در این

مجلس رضا خان های جدیدی چون مدنی و امثالهم نیز حضور دارند که علیرغم کمیت ناچیزشان به سبب شرایط حساس کنونی، قادر خواهند بود با دسته بندی و مانور، این مجلس را به بازی بگیرند.

مجلس اول جمهوری اسلامی، مجلسی سخت شکننده و بی ثبات است و در شرایط مبارزه حاد ملی و طبقاتی جاری در کشور، دستخوش تغییرات وافت و خیزهای زیادی خواهد شد. این مجلس، به عبث خواهد گشود تا در جریان توفان عظیم مبارزه و انقلاب جاری در کشور، نقش یک جزیره کردنی نتواند در جریان این انتخابیات بعنوان یک وزنه سیاسی مهم

آنها گمان میکنند خواهند توانست این سرنوشت را در دالانهای مجلس شورا و بر سر میزهای چکانه زنیها نشان تعیین نمایند، بزودی درخواهند یافت که نیروی انقلاب قوی تر و کوبنده تر از آنست که بتواند در کرسی های مجلس مهارش ساخت. سرنوشت این انقلاب نه در این مجلس، بلکه خارج از آن و در مبارزه و گشایش عظیم ملی و طبقاتی جاری تعیین خواهد شد و این مجلس و هر مجلس مشابه آن نیز بدون شک تحت تاثیر آن قرار داشته، سرنوشت خود آن نیز در این گشا گشی و مبارزه بزرگ تعیین خواهد شد.

انقلاب هنوز پایان نیافته و مپا رنشته است و آن " نمایندگانی" که بر اثری های میلیونی مینازند، بزودی درخواهند یافت که " موکلان" در تعیین سرنوشت خویش، چشم به آنها ندورخته و بلکه سیری دیگر سرا خواهند پیچید. مجلسی که در شرایط ادا مپور شده انقلاب مپخواهد دادای پایان یا شکست آنرا درآورد و این سبیل خروشان را به مجرای پارلمان تا ریسم گانذب بکشانند و بگردگوسی های با تقلب و ریاکاری بدست آسوده، میخکوب سازد، سرنوشتی جز بی ثباتی نخواهد داشت. مسئله قدرت سیاسی هنوز در کشور ما حل نشده و تثبیت نیافتست است و سرنوشت این مجلس نیز در گرو سرنوشت آن خواهد بود. بی ثباتی این قدرت سیاسی، که انکاس خود را در بی ثباتی مجلس نیز خواهد یافت، تحت تاثیر مبارزه درونی آن و میمان نیروهای شریک در آن و تحت تاثیر مبارزه از سوی توده های مردم بوده، تابع تغییر و تحولات در این دو عرصه و ارتباط میان این دو مپباشند.

هیچ چیز تثبیت نشده و همه چیز شکننده است. وحدت ها، اعتمادها و

موقعیت ها موقتی اند و همه شان ساد بی هستند از مبارزه بزرگتری که در عرصه جامعه ما در راه ادامه انقلاب و در تبر علیها مپریا لیسیم در جریان است. اینرا ما نه بعنوان یک حکم دراز مدت و تاریخی، بلکه بعنوان نتیجه گیری از شرایط و موقعیت مشخص جامعه ما میگوئیم و حوادث و تحولات آتی مطمئنا بر این گفته مپبر تاثیر خواهد نهاد.

" حزب جمهوری اسلامی" و نیروهای هم پیمان و طرفدار روی، کوشیدند تا به هر قیمت که شده، جلوی ورود نیروهای انقلابی را بسه درون این مجلس بگیرند و اکثریت کرسی ها را به نفع خود غصب نمایند و اکنون نیز سر مست از این پیروزی مپباشند. آنها گمان میکنند که سرنوشت مپبر آتی کشور و انقلاب ما را رأی های مجلس و گفتگوهای پارلمانی تعیین خواهد کرد و از این رو کار را تمام شده قلمداد میکنند و مپخواهند تا همه چیز " هماهنگ" با نظرات این اکثریت باشد. اما اکثریت این مجلس نمایندند، اکثریت مردم ایران نیست و گرچه توانسته است با تقلب و ریاکاری و سوءاستفاده از اعتماد مردم به مراجع مذهبی شان، رأی این اکثریت را از صندوق های خویش خارج سازد، اما از آنجا که خود چیزی مگر نمایندگان لایه های ناچیز و کوچکی از محافل سیاسی بورژواکی متعصب و قشری مذهبی نیستند و نمیتوانند بسا نگر منافع اکثریت مردم باشند و شک نیست که در برابر خواسته ها و مطالبات این اکثریت بیت قرار گرفته، کنار خواهند شد. سرنوشت انقلاب از صندوق های رای بیرون نمی آید. گوره انقلاب و مبارزه ملی و طبقاتی داغ تر از آن است که ورتهای رأی و ترندهای قدرت تحمل حرارتش را داشته باشند.

حقیقت

ارگان اتحادیه

کمونیستهای ایران

را بخوانید و پخش کنید



# حقیقت

## سنندج فتح ناشدنی...

بسمه ارحمه اول

آنها با افتخار تمام از این "دستگاه ورد" حرف میزنند و به خود میبالند و از یکدیگر ستکر میکنند. افتخار برای چه، برای گشتار مردم سنندج، شکر برای چه، برای مبارزان مردم زحمتکش و آزادبخواه سنندج. "فتح" سنندج افتخار نیست، شگفتی است و بدنامی. آنها نیکه امروز در سخن رانی های برسرو و دایمان در نمازهای جمعه و دیگر مجالس، از این "افتخار" برخوردارند، دستهای آغشته به خونشان را مجبورند بپنهان کنند تا مردم چهره واقعی این جلادان سر مست از خون انسان را نشانند. آقایان! دستهای خونینتان را به مردم نشان دهید! لکه های خون زمان، سردان و کودکان بیگناهی که بر سرگیزار خیابانها و راکت های شامه هلاکت رسیده اند را به مردم نشان دهید. قدری مدای بلندگوها بپتان را کم کنید تا مردم ما در این تبلیغات ریاکارانه، ضجه های کودکان یتیم، زنان بیوه و پدران و مادران عزادار را هم بشنوند. دوربین های تلویزیونتان را قدری از روی چهره های ریاکارانه نشان سردارید تا مردم ما خیابانهای سنندج را هم ببینند و آثار رنجناک شما را مشاهده کنند. آنچه شما پس از پیش از سه هفته آفریدید، افتخار نیست، شگفتی است و بدنامی. افتخار از آن مردم دلاور و از آن گذشتگان است که پیش از سه هفته، در برابر شریکترین حملات و بمبارانهای هوایی و زمینی، محاصره، اقتصادی، قحطی، نبود دارو و پزشکی و غذا مقاومت کردند. افتخار از آن مادری است که شوهر و فرزندش را انفجار خمپاره های شامبا خاک یکسان میکند و او خون شوهر و فرزندان گوی چکش را برچامه دامه مبارزه و مقاومت می نماید، افتخار از آن مجروحانی است که با بدن های مثله شده، با پاره های گلوله و خمپاره در تن، بی مسکن و دوا، تحمل کربند و لب بیسک شگایت نگذردند، افتخار از آن پیش مرگه های قهرمانی است که با وجود برتری نظامی و فنی ارتش شما، بیش از سه هفته آنرا میخکوب کردند و دست

آخر نیز بمظور جلو گیری از گشتار هر چه بیشتر مردم میدان فاع سنندج، با قلبی آغشته از آنده شهیدان و عزم ادامه مبارزه، این سنگ را ترک کرده و به سنگهای دیگر عقب نشستند. انصار و آزادیخواهان و جوانان و ارجان کدخدایان کدبیر رکنار گلوله، برادران و خواهران مجروح خود را حمل کرده، به مردم سی دفاع آذوقه و دارو کمک می رسانند. افتخار از آن مردم قهرمان و مقاوم سنندج است نه تنها، آنکه در این جنگ تحمیلی افتخار و سر بلندی آفرید، سنندج و مردم قهرمانش بود، نه شما. پیروزی از آن آنهاست و نه شما.

پس از بیش سه هفته محاصره و بمباران، بیشرگه ها تصمیم به تخطئه شهر میگیرند و با نقشه و برنامه حساب شده ای دیگر و ستگرهای دیگر رهسپار میشوند. آقایان! در سنندج هیچکس به شما خوش آمد نخواهد گفت، حتی سگهای ولگرد نیز با دیدن شما با فرار میگذرانند. هیچکس به جلاد خوش آمد نمیگوید. در هیچ خانه ای به روی شما نشسته نخواهد شد و هیچ دسته گلی به شما تقدیم نخواهد شد. آنچه شما "فتح" کردید، مردم و بیشرگه های قهرمان سنندج نبودند و آنچه شما رسید، خرابه ها و بفرین اسدی مردم آزادبخواه سنندج است و پس بپاشید! سنندج، تسلیم نشده است. مردمی که با بیش از سه هفته بمباران و گشتار شما، چهرهتان را با خوبی شناختند و خانه ها و خانواده های که در سوگ شهیدان خود و شهیدان سنندج نشسته اند، تسلیم نگشته اند و تسلیم شدن هم نیستند. سرنوشت جنگها را تسخیر این یا آن شهر تعیین نمی کنند سرنوشت جنگها را مردم تعیین میکنند و طبق دلاور گرد، مدت ها است که این سرنوشت را تعیین کرده است. شما یکسال پیش نیز سنندج را "فتح" کردید، شما یکسال پیش نیز چگون امروز، جوانان انقلابی شهر را تیرباران کردید، مزدوران شما یکسال پیش نیز چون امروز پس از ورود به شهر به تا موس مردم دست بستار زدند، درفش "افتخار" شما، یکسال پیش نیز بر فراز شهر سنندج با شتر از درآمد، اما دستبند که سر سوسان جسد. شما یکسال پس از سنندج را "فتح" کردید، اما نادر بد فتح "مردم سنندج" سدید و اسامال نیز سرنوشتتان بهتر از ما!

فصل نخواهد بود.

فواره ظلم و ستم جویبندت شود، سرگون خواهد شد، بدانید که آینه سباهی در انتظار شماست. مردم قهرمان سنندج، اینک ریز گلوله مسلسل های پاسداران و ارتش، زخمهای خود را مرهم میکنند، شهیدان نشان را به خاک میسپارند، خانه هایشان را مرمت میکنند و آماده میشوند تا در قرصی دیگر چون سنندج را زخاکستر خون برون بدهد و خود را بستانند. درود بر سنندج و مردم قهرمانش باد. درود بر بی باکان بر همه شهیدانی که خونشان سگفرش های سنندج را لگگون کرد و شهرافتخار را بدی بر سنندج قهرمان کوبید. راهشان هموار و پیوسته باد. مردم قهرمان و آزادبخواه ایران!

ارتش و پاسداران پس از "فتح" سنندج، گشتار را آغاز کرده اند. تعدادی از اسرا را بیدار نگ تیرباران کرده اند و زخمیها را با سارت گرفته، تعدادی از سربازان آگاهی را که حاضر نشده اند به روی هموطنان خود شلیک نمایند تا تیرباران و تعدادی را نیز برای محاکمه نظامی به تهران فرستاده اند. در برابر این جنایات سکوت نکنید، سرخیزید و جلوی این گشتار و جنایات را بگیرید. سرخی از این اسرار است با دگان جمشید به منتقل کرده، با راه ای را به همدان و تبریز فرستاده اند. آزادی بی چون و چرای آنها را طلب کنید و به حمایت خود از ظلمت دلاور کرد، که اینک در پناه، سقز و سایر شهرهای کردستان در برابر این جنگ تحمیلی قهرمانان نه دفاع می نماید اما مه دهید. فریب تبلیغات مزورانه را نخورید، مسئول این جنگ و این گشتار دولت و سران مزدور ارتش اند و آنها بپند که با بدبه ملت ما حساب پس بدهند. بر خیزید.

عوامل .....

جند هلیکوپتر در کویر لوت، ما کهان "بیم" آن پیدا میشود که "توانا نشی برای مقابله کمدا ریم" آری جناب رئیس جمهور بد رستی اشاره کرده اند که ارتش که در زمان شاه زمان داده شده املا و ابدا توانایی مقابله با آمریکا را نخواهد داشت، چون که برای مطامع امپریالیسم آمریکا با زمان داده است. حساب رئیس جمهور در نظیر ارتش آنچنان بدستی می تا زندگی "مخترا نه" اعلام میکند که حتی اگر "ماحای آنها (زادارها) جمع می کردیم آنها (یعنی آمریکا) نمی توانستند احدی را بکشند.

عبور کند و اگر ما حای آنها را عبور بدیم خود میری است. پس آنها می توانستند از راه کویری رد شوند و در آنجا بنشینند "مردم ایران نوجه میکشید جناب رئیس جمهور به شما چه می گوید؟ می گوید ما دگی برای مقابل با امپریالیسم، بیشکیری از ناحیه و تا از آمریکا می ها در ایران "خود فریبی" است چون به صورت آمریکا می ها هر موقع که دلشان بخوابد هدی توانند به ایران بیایند، این چنین اظهار عجزی در مقابل امپریالیسم آمریکا از جناب رئیس جمهور، و این چنین آب نظیری برخیا نش های فرماندهان آمریکا می ارتش باید رنگ خطری برای همه مردم ایران باشد.

اما در مورد کار دیگر ارتش در همین دوران: در همین دوران که آسمانها و دشت های ایران عرصه تاخت و تاز هواپیماها و هلیکوپترها و تفنگ داران دریایی آمریکا بود و فرماندهان ارتش مشغول توطئه چینی وهم دستی با این تجار و زگران بودند، آری در همین دوران هواپیماهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی و خمپاره های ارتش مشغول کوبیدن و ویران ساختن سنندج قهرمان بودند. در اینجا فراموش ما ندان و ارتش از خود "توانا نشی" زایدالوصف و کاکر کشگی شگفت انگیز نشان دادند. بطوریکه جناب بنی صدر را به سپاه گزاری از "شاه مت" کاروانی و سلحشوری سربازان و نظامیان و پاسداران و ادا کرد و "دلیلی" شد برای اینکه ایشان بگویند: "ما این را نمی شود وسیله فرار داد (همدستی با آمریکا منظور است) و گفت که کل ارتش ما روی است با خاسوس. به ارتش بیباک ما کاری در کردستان میبکشد (همانجا بنی صدر: ارتش در مقابل آمریکا کار نمی توانست بکند) و میخواست و ملامت دست آنهاست (چون ما توانستیم ولی در مقابل مردم کرد، جلادی کرد و "توانا" ست و "فداکار" ارتش کدر مقابل امپریالیسم ما توانست و در مقابل خلق های ایران توانا، همان ارتش شاه معنای واقعی است. ارتش که در مقابل فدا انقلاب ما توان است، همان ارتش دوران شاه است. حال مردم ایران با بدداریا بپند که مراستی و بد رستی رابطه ای ملموس بین جنگ تحمیلی و ضد انقلابی کردستان و تاج و آرمیکا به ایران موجود بوده و می باشد. این رابطه بنا رسب ار همدستی فرماید. ها آن مرگانی ارتش و مرجع برای سرکوب سلاب و با رکود را در سلطه تمام و کمال مجددا امپریالیسم آمریکا!

# مبارزه دهقانان جوزدانی و "بنیاد مستضعفین"

چا روچنبا ای که ساژنگساران و خدا انقلابیون جا کمپس از بقصدت رسیدن شان درهما بیت از "مستضعفین" را انداختند، اگرچه برای انقلابیون چیزی جز فریب و تحمیق توده معنسی نمیداد، ولی درک ما هیت چنینست: تبلیغات از طرف مردم احتیاج به زمان داشت، دولت مردان دست با بجاد ما زمانهای رنگارنگ با عناوین دهن پرکن ما نند "بنیاد مستضعفین"، "بنیاد دسکن" و... زده نند تا با مطلق به درد مردم موعمان مرهمی بگذارند، این سازمانها نه تنها به خواستهای مردم و قومی نگذاشتند بلکه در مسلسل پلای جان آنها می شدند که سنگساران را به صحنه میزدند، ما جای رسوا شسی سازمانهای یا شده تا آنجا با لاکر فست که بعضی زهرمداران نیز مجبور شدند "بنیاد مستضعفین" را بنیاد دستگیر بشا مند، نمونه زهریکی از مسزاران نمونه ایست که ما در سرتا سرایران از مسکروچنین بنیادها می شا هدهستیم.

روستای جوزدان با جمعیتی حدود ۷۷۰۰ نفر در جنوب نجف آباد امفان واقع شده است، در کنار این روستا مجموعه زراعتی لورک با مساحتی بیش از ۵۰۰۰۰ جریب (۵۰۰ هکتار) قرار گرفته است. این مزرعه تا قبل از قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ در اختیار یکی از بزرگترین فئودالهای امفان بوده است. این بزرگ فئودال کسی جز اصغر میرزا (اصغر مسعود) پسر سارم الدوله (اکبر مسعود) ونوه ظسل السلطان نمیباشد. اصغر میرزا که در منطقه امفان دارای املاک زیادی است برای مدتی آجودان مخصوص شاه مخلوع بوده و هم اکنون در انگلستان در خدمت ارتشهای انگلیسی اش سر میبرد.

اصغر میرزا زمینهای لورک را حدود ۲۴ سال پیش بزور غصب نموده و دهقانان را از زوی آن بیرون میکند. کشکش بین این جانی با لفظ سره و فاسد با دهقانان جوزدانی تا شروع "اصلاحات ارضی" در سالهای ۱۳۴۰ به بعد ادامه پیدا کرد. بطوریکه در این سالها ژاندارمری شاه چندین بار به روستا تیان حمله آورد و نتوانست یکبار بیش از ۲۴ نفر از دهقانان را بزند و انداختند، از "اصلاحات ارضی" شاه

برای دهقانان یک مشت کاغذ و سند باقی ماند و برای اصغر میرزا زمینهای لورک. از این به بعد اصغر میرزا سعی نمود تا هرگونه شری که دال بر مالکیت دهقانان باشد را از زمینها نماید و با ایجاد سیستمات گوناگون و توسعه مزرعه مالکیت خود را مسلط نماید. در جریان قیام بهمن ماه این مجموعه زراعتی به دست مردم و سپس با ساداران نجف آباد تصرف شد. پس رنده اصغر میرزا با وجود مخالفتها شد که در دادگاه انقلاب اسلامی نجف آباد برای تبرئه او وجود داشت غیا با مورد بررسی قرار میگیرد و دادگاه حکم به سعادره مال او را دو کنترول مزرعه لورک به عهده "بنیاد مستضعفین" نجف آباد میول گردید. لازم به تذکر است که این مجموعه دارای یک کارخانه کاغذ سازی، بیش از ۱۵ هکتار باغ، گاوداری، خوکداری، گوسفندداری، دو منزل ویلائی، چندین حلقه چاه و امکانات کشت و ریزی مکانیزه میباشد.

پس از ما دره زمین دهقانان برای باز پس گرفتن زمینهای خود به مقامات حکومتی مراجعه نموده و بسا خوش خیالی منتظر اقدام آنها میشوند. در پاسخ شیز سال گذشته بنیاد قسول تقسیم حدود ۱۰۰۰۰ جریب (۱۰۰ هکتار) از زمینها را به دهقانان میدهد ولی وقتی که دهقانان زمین را شخم زدند با مخالفت بنیاد دروبروشده و با لاف در مخالفت ژاندارمری و پاسداران دهقانان را از زمین بیرون رانده میشوند. بنیاد دکه از بلعیدن چنین لقمه چربی به هوس افتاده بود با بکار گرفتن تعدادی از دهقانان بیش از ۹۰۰ جریب (۹۰ هکتار) از زمینها را به زیرکشت گندم میبرد و برای بخشی دیگر از زمینها نیز برنا مه کشت یونجه ایجاد باغ، بوجالیزفرا هم میآورد. علاوه بر زمینهایی که خود مستقیماً در اختیار میگیرد حدود ۵۰۰۰ جریب (۵۰ هکتار) از اراضی زراعی را به دانشگاه صنعتی امفان اجاره میدهد و بخشی دیگر را سالیانه و به قسرار جریبی ۲۵۰-۲۰۰ تومان (هکتاری ۲۵۰۰-۲۰۰۰ تومان) به دهقانان

دهقانان که میدان از بنیاد نجف آباد قطع شده بود به مقاصد مسئول در امفان، قم و تهران مراجعه مینما یند و حتی یکبار ریزشفاها قول تقسیم زمینها را از آیت الله منتظری میگیرند که آنهم به جاشی نمیرسد. با گذشت زمان هر روز فکرحل مسئله از طریق دیگری بجز دولست و "شورای انقلاب" بین دهقانان قوت میگیرد تا اینکه در تاریخ ۱۶/۲/۵۹ حدود ۲۰۰۰ نفر از مردم جوزدان برای یکسره کردن تکلیف خود بطور دسته جمعی به زمینهای لورک هجوم آورده و با اشغال زمینها می که تا این تاریخ در کنترول بنیاد نجف آباد بود گام

تا زهای در تحقق خواستهای حق طلبانه خود برداشتند. مردم جوزدان که تا این تاریخ برای مدت بیست و یک ماه میان دروغین خود را از موذیه بودند، دیگر به حرفهای هاشمی شیخ دهقانان را با اقدام از طریق قانونی دعوت میشدند و گوش ندادند و پس از شور و مشورت گسترده در مورد قدمهای بعدی تصرف مزرعه را در دستور کار خود قرار میدهند. البته در شب قبل از اشغال مزرعه با شیخ هاشمی در مورد همکاری با مردم تما حجت مینما یند که او نیز در مقابل اراده مردم تسلیم میشود و همگی مردم را فوراً از کمکیف ماجرا مطلع مینمایند. در صبح روز ۱۶/۲/۵۹ با بستن گوازه مردم خواهسته میشود تا به سرکار رفته و همگی در برنا مسه تصرف مزرعه لورک شرکت نمایند. در این میان شرکت وسیع کارگساران جوزدانی ذوب آهن امفان که آنروز به سرکار رفته بودند به این مبارزات جلوهها شکرهای داده بود. کارگساران همدوش برادران دهقان خود و برای احقاق حق آنان بای زمینان مبارزه گذاشتند و نشان دادند که در مبارزه جاری باید به رسالت اهداف دموی - کراتیک جنبش جامعه عمل بپوشا نند. مردم پس از وارد شدن به محوطه مزرعه با مقاومت دونفرازا یسادی سرما یه دارونفشودال بنیاد بنامهای حاج مصطفی وسیدرضا اسما علیان و یکی از پاسداران بنام عباسی روبرو میگرددند. دهقانان که از آنان دل خونی داشتند بایبل به جان آنها افتادند و جابیی حالشان را جاسی - آورند و پاسداران را با دنده را خلع سلاح مینمایند و سپس هر سه آنان را گروگان میگیرند. مزدوران ژاندارمری به فرماندهی سروان مفری و دو ماشین پاسداران نجف آباد دکه تا لورک حدود ۱۳ کیلومتر فاصله دارند ما مور میشوند تا دهقانان را "سرجای" خود بنشانند. دستههای سرکوب اعزامی با مقاومت و روحیه جنگجویانه دهقانان مواجه میشوند و بدین جهت از نجف آباد تقاضای فرستادن روحانیون را می کنند. در غروب همان روز دو تن از روحانیون نجف آباد با دینامهای حاج بقیه در صفحه ۵



### کارگران شرکت . . . .

در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۲ کارگران ما نند همیشه مشغول کار بودیم که رئیس کارگاه (آقای کوهی) به یکی از کارگران حمله ور شده و با توهین و تحقیر وی را به باد دکتک میگرداند و این حرکت غیر انسانی را بدون هیچ عذرو بهانه ای انجام داده، کارگری که مورد حمله و توهین قرار گرفته بود به این حرکت اعتراض مینماید و با مدافعان خلبه بقیه کارگران جریان خاتمه پیدا میکند، اما آقای کوهی به این اکتفا نکرده و به آقای مهندس آریا سرپرست کلیه کارگاه های واقع در منطقه مها با دشکایت میکند، بعد از چندین روز آقای مهندس آریا همراه پنج پیش-مرکه حزب دمکرات به سرپرستی ملامحمد عجم به کارگاه آمده و بدون پرس و جو کارگری را که قبلا مورد توهین واقع شده بود بدستور مهندس آریا و ملامحمد عجم به باد دکتک میگیرند، کارگر دیگری که به این حرکت پیشمرکه ها اعتراض میکند را نیز به همان شیوه به میدان میکشند و زیر ضربات لگدمشت و قنداق تفنگ میگیرند.

آقای ملامحمد عجم (مسئول حزب دمکرات) طی سخنانی به کارگران گفت: "دیگر کسی نبود که صدایش در بیاید... و آقای آریا فرمودند "اگر کوچکترین اعتراضی به کارفرمایان سرکاره و غیره بشود کارگاه را میبندیم. من

فردی هستم که میتوانم تک تک شما را سربسته کنم و برای هر کدام یک پیشمرکه بکندم که ادب تا نکند."

ما رهمه نیروهای سردی گردستان سوال میکنیم که آیا پیشمرکه ها برای کسب حقوق خلق کرد و ما زحمتکشان اسلحه برکف گرفته اند یا برای سرکوب ما نه آقای مهندس آریا این چنین مارتهدید میکنند.

ما کارگران شرکت ساپتا در شرایطی کار میکنیم که هیچ کارگر از ما هزینه مسکن پرداخت نمیشود، تمام حقوق و مزایای ناچیز بیهوده مان کسر می شود. دستمزدها بمان در سطح حداقل ۵۶۷ ریال در روز است. اجازه استفاده از یک روز مرخصی در ماه را نداریم. هر سه ماه یک بار حقوق ما را ۲۰ درصد کاهش میدهند. هر روزی که با زندگی ما شدتزد ما پرداخت نمی شود، برای اینکه استخدا مشویم حتما با پدیده سرکاره (رحیم زرگر) روشه ای پرداخت نمائیم و... و حتی در روز ۱۱ اردیبهشت که روز جهانی کارگران است آقای کوهی کارگران را تهدید کرده که اگر سرکاره رنیا بندگیست به حساب خواهد آمد و این در حالی است که آقای کوهی خود را طرفدار کارگران نشان داده و همه جا از "حزب توده" تعریف و تمجید میکنند.

ما از همه احزاب و سازمان های مترقی تقاضا داریم که اوضاع ایمن کارگاه را بررسی کنند و به هر نحوی که میتوانند پدیده ما کمک نمایند تا ما بتوانیم همدوش سایر فرزندان خلق حقوق اولیه و انسانیمان را کسب کنیم و هم در خدمت مکتوبات خود در مبارزه برای خودمختاری شرکت نماییم.

مستحکم باد اتحاد کارگران!  
بیروزی با مبارزات خلق کرد!  
مرگ بردشمنان خلق!

عده ای از کارگران شرکت ایران ساپتا -  
کارگاه سیروس واقع در کوسه کهریز -  
تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۰

## اخراج کارکنان مبارز و انقلابی صنایع فولاد را محکوم کنیم

بدنبال اخراج های بی دردی کارکنان مبارز و انقلابی صنایع فولاد و زندانی نمودن تعدادی از آنان، خارقان، این افسر بیمانه آمریکائی سنتو و این دست آموزان آمریکا و شاه، اخیرا دست به عمل نفرت انگیز دیگری بجهت اخراج ۳۵ تن دیگر از کارکنان صنایع فولاد زده است.

این عمل در شرایطی صورت میگیرد که عنا صرا و اکی گروه گروه عفو می گردند و زندانیان آزاد میشوند و اتفاقا مصدر کارهای میمی میگردند، این عمل در شرایطی صورت میگیرد که از ما که مواجرات سرمایه داران و زمینسداران بزرگ بشدت جلوگیری میشود. و این عمل در شرایطی بوقوع میببوند که از امر انقلابی و بحق تمغیه و پیکاری کارخانه ها و ادارات از وجود عنا صر مزدور و سرسپرده جلوگیری و یا در آن اخلال میکنند و شواهدی زکشت به کارکنان این عنا صر مزدور سرکاره ها بمان هستیم. در مقابل همه روزه ها اخراج و یا زندانی نمودن عنا صر مبارز و انقلابی در کلیه کارخانه ها، ادارات و موسسات می باشد.

این سیاست و سیاستهای مشابه که بمنظور جلوگیری از پیوند توده ها با عنا صر پیشرو و انقلابی و در نتیجه جلوگیری از رشد آگاهی سیاسی و انقلابی توده ها و برهم زدن حاکمیت توده ها از طریق کوشش برای نابودی شورا های انقلابی و یا بی محتوا نمودن شورا ها صورت میگیرد، در عمل کوششی است برای مقابله با خواسته های بحق توده ها و خفه کردن انقلاب از طریق حاکمیت ضد انقلابی عنا صر از قبیل "خارقان". اینگونه اعمال که بمنظور ضربه زدن به مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده ها و کوشش در جلوگیری از تداوم گسترش انقلاب میباشد، بدون شک موجب نفرت توده های زحمتکش و انقلابی و کارگران و کلیه نیروهای انقلابی میباشد و مقدمات جدی آنان را روبرو خواهد شد و آنان مصممانه ترا ز پیش در ادامه انقلاب خواهند کوشید.

مردم مبارز و آزادیخواه، کارگران و زحمتکشان، نیروهای انقلابی!

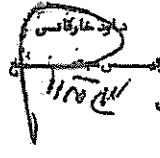
به حمایت و یاری برادران مبارز خود در صنایع فولاد برخیزید و در افشای محکوم نمودن عمل ضد انقلابی "خارقان" و توطئه های گوناگون که به

### شرکت ملی صنایع فولاد ایران مجمع فولاد کهریز

به کارکنان شرکت ساپتا  
از رئیس هیئت

نظایر اینکه بوجد افراد در کارگاه شرکت استخراج هست خواهش است دستور فرمائید از تاریخ مدیران نامه، قرارداد ایشان خاصه داده شود.

- |                    |                    |                   |                     |
|--------------------|--------------------|-------------------|---------------------|
| ۱- مهندس مویز زهری | ۲- مهندس مویز زهری | ۳- مهندس علی صادق | ۴- مهندس علی صادق   |
| ۵- صادق کشاورزی    | ۶- محمد رضا نظری   | ۷- طاهر باقری     | ۸- هوشنگ شاهپور     |
| ۹- اردشیر دوستانی  | ۱۰- محمد ریخسان    | ۱۱- اسماعیل رشیدی | ۱۲- سلیمان بهمن     |
| ۱۳- محمد خواجه     | ۱۴- محمد ریخسان    | ۱۵- اکبر مدی رشید | ۱۶- محمد آذر کاراوی |
| ۱۷- طاهر مدی رشید  | ۱۸- طاهر مدی رشید  | ۱۹- طاهر مدی رشید | ۲۰- طاهر مدی رشید   |
| ۲۱- طاهر مدی رشید  | ۲۲- طاهر مدی رشید  | ۲۳- طاهر مدی رشید | ۲۴- طاهر مدی رشید   |
| ۲۵- طاهر مدی رشید  | ۲۶- طاهر مدی رشید  | ۲۷- طاهر مدی رشید | ۲۸- طاهر مدی رشید   |
| ۲۹- طاهر مدی رشید  | ۳۰- طاهر مدی رشید  | ۳۱- طاهر مدی رشید | ۳۲- طاهر مدی رشید   |
| ۳۳- طاهر مدی رشید  | ۳۴- طاهر مدی رشید  | ۳۵- طاهر مدی رشید | ۳۶- طاهر مدی رشید   |



روشت: امیر ساختمان و مهندسین  
دفتر: دفتر مهندسین  
اسم: اسم مهندسین

منظور ضربه زدن به وحدت مبارزه جوینان مردم میهنمان علیه امپریالیسم آمریکا صورت میگیرد، بکوشید.  
اتحادیه کمونیستهای ایران - اهواز - ۲۳ اردیبهشت ۵۹

اسرائیل را به ستوه آورده بودند و به همراه دیگر توده‌های ستمدیده منطقه پایه‌های حاکمیت ارتجاع، امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه به لرزه درآورده بودند، مجدداً با سرکوب مشترک نیروهای نظامی سوریه، مصر،

از سقوط رژیم شاه مزدور بخت‌سوان مهمترین پایه‌ها، زاندا روم و حافظ مناقع امپریالیست‌ها بویژه آمریکا اجرای نقش فوق به پاکستان، عربستان سعودی و مصر محول شده است؟ خصوصاً اینکه تجا و وزنظامی اخیسرها آمریکا با کمک و میل باطنی و آشکار آنها نیز بوده است؟ هم‌اکنون نیز آمریکا به توطئه‌های خود علیه انقلاب خلقی‌ها ما ادامه میدهد، اگر در آینده خود را ناچار به دخالت و تجا و وزنظامی به میهن ما ببیند کشورهای مزبور در جبهه آمریکا و در مقابل انقلاب ایران قرار خواهند گرفت. پس خواست انقلاب ایران است که هر چه گسترده‌تر به افشای اهداف این تجمع‌ها پرداخته و نیز با تکیه بر جنبشهای خلقی منطقه و جهان بمقابله و مبارزه با این مرتجعین و اربابان نشان بر خاسته و با آنها مرزبندی قاطع بنماید. برای حکومتی چون حکومتی فعلی شرکت در چنین مجامعی که در اساس توسط امپریالیست‌ها و ارتجاع عیون منطقه رهبری شده و سمت و سوی

«کنفرانس کشورهای اسلامی»

زمان که همین مسلمانان فلسطینی مبارزه‌شان بر علیه غاصبین غیرمسلم اسلامی خاک فلسطین مورد حمایت امپریالیست‌ها و وسعت گرفته با محاصره و سرکوب همین مرتجعین اسلامی روبرو قرار گرفته‌اند. در سال ۱۳۴۹ که اردن یکی از پایه‌های نیرومندان انقلاب آزادیبخش فلسطین گردیده بود و اسرائیل را مورد خنجر جدی قرار داده بود مورد سرکوب وحشیانه و همه‌جا نبسه ملک حسین نوکرا امپریالیسم و یکی از بنیان کنفرانس اسلامی واقع گردید. با زهم در زمانیکه فلسطینی‌ها در شرایط خوبی قرار گرفته و با حملات مداوم خود در اعماق خاک فلسطین رژیم

مردم غیور آبادان، دادستان شهر خود را بشناسید!

سندزیر مربوط به آقای عبدالمجید زرگر دادستان فعلی شهرستان آبادان است و به توضیح اضافی نیاز ندارد! با این سوابق درخشان! روشن است چرا در جمهوری اسلامی به دادخواهی با زمان تداک‌ان دادگاه رشیدی سینما رکن آبادان ترتیب اثر داده نمی‌شود و در عوض انقلابیونی چون رفقا دانیال پور و مؤذن یکشنبه به جوخا عدا مسیره میشوند...

حزب رستاخیز ملت ایران  
شهرستان آبادان - تلفن ۲۸۲۸۸

ریاست کانون شماره ۴۳ شهری  
شماره : ۲۸۲۱  
تاریخ : ۲۵۴۶/۶/۲۶

از طرف حزب رستاخیز ملت ایران - شهرستان آبادان  
انتخابات زیر بعمل آمده است :

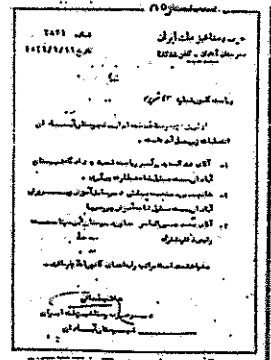
۱- آقای عبدالمجید زرگر ریاست شعبه ۵ دادگاه شهرستان آبادان سمت مسئول نظارت و پیگیری

۲- خانم نصرین دستغیب بهشتی دبیر سابق آموزش و پرورش آبادان سمت مسئول شاخه آموزش و پرورشها

۳- آقای محمد حسین الماسی معاون دبیرستان ابن سینا سمت رئیس دفتر مشترک

خواهشمند است مراتب را به اعضای کانون اعلام فرمائید.

هاشم بطحاشی  
دبیر حزب رستاخیز ملت ایران  
شهرستان آبادان



حزب رستاخیز ملت ایران  
شهرستان آبادان - تلفن ۲۸۲۸۸  
ریاست کانون شماره ۴۳ شهری  
شماره : ۲۸۲۱  
تاریخ : ۲۵۴۶/۶/۲۶

از طرف حزب رستاخیز ملت ایران - شهرستان آبادان  
انتخابات زیر بعمل آمده است

- ۱- آقای عبدالمجید زرگر ریاست شعبه ۵ دادگاه شهرستان آبادان سمت مسئول نظارت و پیگیری
- ۲- خانم نصرین دستغیب بهشتی دبیر سابق آموزش و پرورش آبادان سمت مسئول شاخه آموزش و پرورشها
- ۳- آقای محمد حسین الماسی معاون دبیرستان ابن سینا سمت رئیس دفتر مشترک

هاشم بطحاشی  
دبیر حزب رستاخیز ملت ایران  
شهرستان آبادان

## زمینه سازان کودتا را هم بشناسیم

بعبارت محض

نهمیده اند که خطر از کجا تهدید می کند اگر چه نفهمیده اند که با این خطر چگونه باید مقابله برخاست. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بیانه شماره ۶۱ و ۶۳ خود

ارتکنولوژی پیشرفته، آنان در به اصطلاح غننی کردن توطئه های آمریکا استفاده نمی کنند.

" لازم است که دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد خرید رادارهای نوری ارتکورهایی که دارای تکنولوژی پیشرفته هستند در ضمن به حق حاکمیت و استقلال ایران احترام می گذارند با در نظر گرفتن مساوی برابری حقوق و حفظ منافع ایران هر چه زودتر اقدام لازم به عمل آورد."

(روزنامه مردم شماره ۲۳۲ صفحه اول) البته روزنامه مردم بخاطر رعایت " مخفی کاری " نامی از کشورهایی که رژیم جمهوری اسلامی ایران باید هر چه زودتر از آنها رادار خریداری نماید نمی برد ولی گنجه که نهاد نهانی هائی که روزنامه مردم میدهد همان نشانی های کاذب ارباب واقفان است، و مردم ما باید آگاه باشند که وقتی " حزب توده " و دیگر جریانات وابسته به ابرقدرت شوروی دم از مبارزه با امپریالیسم آمریکا میزنند، در سرچشمه های پلیسی را برای وابسته کردن کشور ما به ابرقدرت شوروی می پرورند. در اینجا ما نمی خواهیم به افشای " مبارزه ضد امپریالیستی " گارجاق کن های شوروی در ایران بپردازیم که خودبخوبی است مفضل. در اینجا سخن از توطئه های امپریالیسم آمریکا است و کودتای قریب الوقوعی که این روزها همه جا صحبت از آن است. شایعات مربوط به کودتا آنقدر بالا میگیرد که آیت الله خمینی نیز مجبور میشود برای مدین روحیه انقلابی در هواداران خویش سخنانی در ایستگاه رابطه ایراد کند و ضمن آن قدرت ۳۵ میلیون مردم بیدار ایران را به رخ کودتاگران آینده بکشد. حتی گروه های متعصب مذهبی نیز که تا دیروز فعالیت خود را عمدتاً متوجه نیروهای کمونیستی و انقلابی میکردند و از این طریق آگاهانه یا ناآگاهانه شرایط لازم را جهت توطئه چینی امپریالیسم آمریکا فراهم میساختند، امروزه

بسیار شماره ۶۳ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی). صرف نظر از تئوریهای من در آوردی رفقای جب نما می ما که اوضاع و احوال جامعه را بروفق مراد امپریالیسم آمریکا ارزیابی می نمایند و لزومی جهت برآوردن اوضاع کودتا از جانب امپریالیسم آمریکا نمی بینند امروزه دیگر تمامی مردم ایران دریافته اند که در شرایط کنونی دشمن اصلی شان امپریالیسم آمریکا است که بواسطه انقلاب تا تمام ایران زخم برداشته و مانند امپریالیسم آمریکا می خواهد در ایران کودتا کند مسئله ای است روشن ولی باید این سؤال پاسخ داد که پس از حدود یکسال و نیم که از قیام یمن ماه میگذرد چه گسائی و چسبه نیروهای بی بوده و هستند که راه را برای توطئه چینی آمریکا هموار ساخته اند. تنها با مرور به گذشته و مرور در سیاهی دولت وقت بازرگانان، " شورای انقلاب "، رئیس جمهور و احزاب و دستجات انحصار طلب است که میتوان زمینه سازان کودتا را با شناخت و دست های پیدا و پنهان امپریالیسم آمریکا را مشاهده کرد. مگر از فردای قیام یمن ماه گسوس نیستی و انقلابیونی که نگران آینده انقلاب بودند با رها و بارها اعلام تکرار می کردند که این ارتش، ارتش شما، ارتش آمریکا و زمان جاسوسی شما هستند و برای حفظ دستاورد های قیام و ادامه انقلاب نخست یا بدتکلیف این ارتش را روشن نمود؟ مگر کمو نیستی و دیگر انقلابیون با رها و بارها گفتند که این تیمساران و فرماندهانی که اینک وفاداری خود را به جمهوری اسلامی اعلام داشته اند و گویا حاضر شده اند که در راه پیشرفت اسلام جانیازی کنند همانهایی هستند که یک عمر در رکاب شاه مخلوع و اربابان آمریکا تیش به مردم ایران خیانت کردند و در جانشان را از دربار پهلوی و ژنرالهای آمریکا می گرفتند. پس کسانی شتابزده ارتش را اسلامی اعلام کردند و در گردستان و گنبد در جنگ تحمیلی به زحمت کشان و خلقهای ما به با زایش مشغول شدند چه کسانی شورا های سربازان و درجه داران را در بارها دگانه بر هم زدند و با ایجا دمحیط ترور و خفقان در سرباز خانه ها اظاعت کور کورانه را در ارتش لازم الاجرا دانستند، و چه کسانی تمام می دستگاہای تبلیغاتی کشور را در جهت اعاده حیثیت از این ارتش

آمریکایی بکار گرفتند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از حیث شبکه مخفی ساواک خبر میدهند و اینکه فعلاً لانه سرگرم توطئه منظور سر راه انداختن کودتا هستند. مگر از فردای قیام یمن ماه یکی از خواسته های بر حق مردم قهرمان و ستم دیده ما این نبود که ما با موران ساواک رادر پیشگاه خلق با بدافعال گردند و آنان را در دادگاه خلق به محاکمه کشانند تا خدا انقلاب حساب کار دستش بپاید و به دانند که خدمت به دشمنان مردم و مزدوری امپریالیسم و ارتجاع را کردن بی مکافات نمی ماند؟ ولی چه کسانی چند نیروهای بی بودند که به این خواست بر حق مردم خدمت گوی کردند، از ساق و کیفی اعاده حیثیت نمودند، حقوق گردند و سرانجام فرمان عقوبت میشان را از آیت الله خمینی گرفتند. هنگامیکه " اتحادیه " کمونیستهای ایران " لیست بیش از ۱۰ هزار نفر از منابع و ما موران ساواک را منتشر کرد چه کسانی لوزه برانداشان افتاد و دیوانه وار برای مخدوش نشان دادن این لیست به این دروآن در زده. پس برای اینکه بتوانیم توطئه های آمریکا در ایران را بشناسیم و پس با آن مقابله کنیم ابتدا باید سیاستها و سیاست بازاری که میزنند را برای توطئه های امپریالیسم آمریکا فرا هم ساخته اند بشناسیم و در برابر دیدگان نگران مردم ایران رسوایشان سازیم. به زبان دیگر تا وقتی که راه رودسته های سازشکارانحصار طلب که زمینه سازان توطئه گری های امپریالیسم آمریکا هستند رسوا نشوند و از مسند قدرت بزرگشیده نشوند کایوس شوم کودتا پیوسته وجود خواهد داشت.



در تکبیر و پیش حقیقت ما را یاری دهید

# عوامل همدست کودتا در رأس ارتش و سفسطه گری رئیس جمهور

بسیاری از اسناد مهم باقی مانده و ... ولی مسئولین "انقلابی" مملکت در پی تطهیر خیانت‌های آشکار و غیر قابل انکار این نهاد مردمی و فرماندهان آن آمریکا می‌باشند. رئیس جمهور بنی نیندین را بعهده گرفته است: "اینگونه وقایع اگر تنها در کشور ما روی میداد می‌گفتیم که چرا ارتش و پاسداران و کمیته‌ها و نیروها نمی‌توانند که در این باره مطلع نشوند که این مسأله واقع شده است. ناتوانی‌های بشری در برابر توانایی‌های اودها برابر است. توانیای این رادارها و غیره را که ما ابتکار نکردیم و ارتش هم که در زمان رژیم سابق سازمان داده شده و اینکه رادارها کجا باشند اینها را که ما سازمان ندادیم و اگر ما جای آنها را عوض می‌کردیم آنها میدانستند آنچه فاصله‌های عبور کنند و اگر ما جای آنها را تغییر دهیم خود فریبی است پس آنها می‌توانستند از آن راه کویبری رد بشوند و در آنجا بنشینند. چندین هیات

هم بررسی کرده اند گفته اند غفلت‌ها ... می‌بوده است ... ولی اینکه بگوئیم دست‌هایی در کار نبوده که این چیزها را تدارک می‌کرده صحیح نیست" و "دمورد بعباران هم با بید بگویم که اگر تریب می‌آید و دولتی کوپترها را می‌بردند شما چه می‌گفتید، چنانچه میگفتید که خود ما رفتیم و با آنها ساختیم ولی سناد ارتش این بیم را داشت در حالیکه فرمانده نیروی هوایی مخالف آن بود و بیم آن بود که اگر آنها شب بعد از ساعت دوازده که ما توانایی برای مقابله کم‌دریما آیم آنوقت نگرانی مردم چندبرابر می‌شد" (با ماد ۲۵ اردی - بهشت، تاکیدات از ما ست). جناب بنی صدر خیلی زیرکانه می‌خواهد بر خیانت فرماندهان ارتش سرپوش بگذارد. در مقابل آمریکا، در مقابله با امپریالیسم چرا ارتش آمریکا نگاهبان "توانایی‌های بشری در برابر توانایی‌های اودها برابر" می‌شود، در مقابله با امپریالیسم آمریکا و حفظ (بقیه در صفحه ۷)

این فرماندهان بدن‌ها دوشا هیرست، دلایل و مدارک زیادی در دست مردم است: جمع کردن همه توپ‌های ضد هوایی فرونگاهای ایران و بی‌دفاع ساختن آنها، صدور اعلامیه دروغ‌آز طرف ستاد مشترک مبنی بر تعقیب هواپیماهای آمریکا می‌باشد برای ردگم کردن، بمباران هلی کوپترها و زمین بردن فرماندهان ارتش شاهنشاهی مسلمان شده جمهوری اسلامی ایران در پنجاهمین گذشته دو کار کردند: ۱- هم - دستی با امپریالیسم آمریکا در تجاوز و آشکارش به ایران و ۲- سرکوب و حشبه نه و فاشیستی خلق قهرمان کرد و به هوشم در سنج. دمورد اول: یعنی همدستی

## زمینه سازان کودتا را هم بشناسیم

این عوامل فریبی حضرات سازشکار را باور نکردند. در این میان فقط نوکران کهنه کار شوروی در ایران یعنی "حزب توده" این ستون پنجم بر قدرت روس در مین مافروست را غنیمت شمرده و با دیدن که چگونه میتوان نقاظ کورآقای بنی صدر و جمهوری اسلامی را روشن کرد. "حزب توده" کتاب را کل آن تودمی بیند فوراً بفکر ماهی گیری می افتد و بی شرمانه به مسئولان جمهوری اسلامی هشدار میدهد که برای جلوگیری از توطئه‌های آمریکا باید هر چه زودتر به سوی اربابان روسی آنان روی بپندارند. ولی حتی ذهنهای کور هم آورند و (بقیه در صفحه ۱۱)

پس از ماجرای پیاپی شدن راه زنان آمریکا بی درپها نهایی طیس که با همدستی عوامل داخلی امپریالیسم آمریکا در مین مافروست گرفت، سازشکاران که از مبارزات فدا مین پالیستی مراد داده اند انقلاب به شک آمده اند به تلاش افتادند تا بر روی چهره گریه کارگران امپریالیسم آمریکا در ایران سرپوش نهند. بنی صدر با کارانه تقلا کرد که نقش مزدوران و سرپرستان ارتش جمهوری اسلامی را در این ماجراست مالمی کند و تما می‌گناهان را به گردن نقاظ کوردستگاههای رادار ایران بپندارند. ولی حتی ذهنهای کور هم آورند و (بقیه در صفحه ۱۱)

## کارگران شرکت ایران سایا زورگونی کارفرما و پشتیبانانش را قبول ندارند!

مردم مبارز کردستان: در حالیکه فرزندان قهرمان خلق کرد برای دفاع از شرافت و حیثیت و حقوق خلق بی محابا جان خود را فدا میکنند و ارتجاع هر با ربه گونه ای دست از آستین درمی آورند و به قصاصی بهترین فرزندان خلق ما میبرند، ما کارگران شرکت ایران ساپتا نیز خواهان شرکت در این مبارزه همراهی با همه انسانهای متعهد هستیم و با تمام مکتوباتمان و آنچه در دسترس ما است و تقاضای کمک از همه شما داریم.

(بقیه در صفحه ۹)

## "کنفرانس کشورهای اسلامی"

یک تجمع ارتجاعی در خدمت امپریالیسم علیه خلقها!

از همین کشورهای اسلامی بخود در عین حال محنه مبارزه بر قدرت‌ها علیه یکدیگر و در ضدیت با خلقهای کشورهای فوق و بهره برداری تبلیغاتی حکومت‌های وابسته بفتح خود نیز گردیده است. از بدو پیدایش این گروهها تاکنون هر چندگاه یکبار ربه ربه در مواضع ضروری سران، شیوخ و وزرای حکومت‌های مزبور در یکی از کشورهای اسلامی تجمع کرده اند، هیچگاه حتی برای یکبار هم دیده نشد که حرکت مثبتی از جانب اینان بفتح همین مردم مسلمان انجام گرفته باشد. بلکه همیشه در جهت توطئه و سرکوب جنبش

و مبارزات و فریب خلقهای نامبرده اقدام نموده است. کم نبوده و نیستند جنبشهای اصیل خلقی و فدا مین پالیستی متعدد کشورهای مختلفه متشکل در این کنفرانس که سالها با امپریالیست‌ها و مزدوران محلی شان در حال مبارزه بوده و هستند و مورد خشم و دشمنی این مرتجعین قرار گرفته و از طریق همین کنفرانس اسلامی مورد سرکوب واقع شده اند. به عنوان مثال از مبارزات رزمندگان

خلق فلسطین که ده سال است برای اخراج اشغالگران صهیونیسم مورد حمایت امپریالیست‌ها از وطنشان مبارزه میکنند، میتوان نام برد. از سالها مبارزان زنان و کودکان فلسطینی در اردوگاههای لبنان توسط متجاوزین میتوان یاد کرد. ولی نسه اینکه هیچکدام این تجاوزات و جنسایت‌ها که در بیکر فلسطین فرو داده مسئله اینها نبوده و نیست، بلکه هر

(بقیه در صفحه ۱۰)

تقسیم بندی قلابی، مسخره و فریبکارانه بخشی از کشورهای جهان در قالب مذهب. واحد موسوم به "کنفرانس اسلامی" که توسط مرتجعین منطقه و حکومت‌های کشورهای مزبور به راهنمایی اربابان خارجی شان به وجود آمده هدفی جز مقابله و سرکوب مبارزات خلقهای منطقه زیر پوشش دفاع از منافع کشورهای اسلامی یا جهان اسلام نداشته و ندارد. البته بعد از تبدیل شوروی بیک ابر قدرت امپریالیستی و وابسته کردن بکسری